

درس شانزدهم فارسی
موضوع: رنده‌ی آزادی- کودکان سنگ

پایه: هشتم (دوره‌ی اول متوسطه)

تهیه‌کننده: زهرا چهارراهی

دیرستان: ۱۵ خرداد

استان: تهران

منطقه: ۴ تهران

ماه ، نماد بخشندگی

روشنی اش را

در سراسر آسمان

می پراکند

و لکه های سیاهش را برای خود نگه می دارد.

سختی های زندگی ، بدی ها

معنی و مفهوم : انسان های بخشنده و ایثار گر ثروت ، لطف و محبت خود را به دیگران می بخشند و سختی ها و غم ها را خودشان تحمل می کنند .

تاگور، رابیندر نات (شاعر هندوستانی)



شاعر و عارف پر آوازه ی هندی که اشعار وی سرشار از

مفاهیم عرفانی و حس میهن دوستی است، تاگور جایزه ی ادبی

نوبل را دریافت کرد .

مهمترین کار یک خواننده، به هنگام خواندن شعر، ترکیب لحن‌ها با یکدیگر است؛ به گونه‌ای که آهنگ کلی شعر از آغاز تا پایان حفظ شود. در سروده‌ی زیر، لحن‌های حماسی، عاطفی و توصیفی درهم آمیخته شده‌اند.

لحن شعر پرفنده‌ی آزادی



محتوای شعر پرنده ی آزادی



شعری برای «محمدالدوره»
نوجوان فلسطینی که در سال
۱۳۷۸ هـ.ش (۲۰۰۰ میلادی) بر اثر
هجوم بی رحمانه نیروهای اشغالگر
اسرائیل در آغوش پدرش به شهادت
رسید.

نثر روان : محمد از ترس بمب های هواپیماهای اسرائیلی که آسمان را مانند جهنم کرده اند . در آغوش پدرش مثل پرنده ای ترسیده ، پناه گرفته است .

مشبه
محمد در آغوش پدرش

ادات تشبیه مشبه به
چونان پرنده ای بيمناک ترسیده

لانده ، خانه
وجه شبه

آشيان دارد ، (مراعات نظير : پرنده ، آشيان ، آسمان)

ترس
از بيم دوزخ آسمان . دوزخ : جهنم
مشبه به مشبه

جزء اصوات و شبه جمله

آرایه ی تکرار : پنهان واج آرایه ی حرف پ

آه ای پدر، پنهانم کن، پنهان

منظور جمله ی دشمن

بال های من در برابر این توفان

ناتوان است، ناتوان (آرایه ی تکرار : ناتوان)

نثر روان: محمد با غصه می گوید: پدر پنهانم کن، من طاقت این جنگ را ندارم. تحمل این همه ظلم و ستم و هواپیماهای جنگنده که در بالای سرمان در پروازند را ندارم.

توفان، ناتوان، پنهان: قافیه

در برابر این تیرگی سایه ی هواپیماهای جنگی (منظور ظلم و جنگ و خشونت)

و آنها که در بالا در پروازند. منظور هواپیماهای صهیونیستی که در آسمان در حال پرواز هستند **همراهی**

نثر روان : محمد فرشته ای است بدون پشتیبان ،
که در برابر تفنگ شکارچی بی رحمی قرار
گرفته است

او بی یاور و تنهاست .

صورتش از پاکی مثل خورشید روشن است و
قلبش به خاطر عشق و احساس، مثل سیب سرخ
است .

همراهی



مشبه مشبه به وجه شبه
محمد، فرشته بی پناهی است،

صیاد یعنی شکارچی، در اینجا منظور سرباز اسرائیلی
نزدیک به تفنگ صیادی سنگدل،

او در سایه خود تنهاست **کنایه از بی یاور بودن**

مشبه مشبه وجه شبه
چهره اش روشن است، چونان خورشید

مشبه مشبه وجه شبه
قلبش سرخ و روشن است، چونان سیب

شکارچی، منظور سرباز اسرائیلی
صیادش می تواند به شکارش دیگر گونه بیندیشد؛ (تناسب بین صیاد و شکار)

منظور محمد
با خود بگوید:

«اکنون او را رها می کنم،

تا آنگاه که بتواند فلسطینش را

بی غلط تلفظ کند ... کنایه از بزرگ شدن

منظور آینده
و فردا چون سرکشی کند، کنایه از نافرمانی کردن

شکارش می کنم...»

نثر روان: سرباز اسرائیلی می تواند به محمد
به شکل دیگری نگاه کند. با خود بگوید ((اکنون
کاری با او ندارم تا وقتی بزرگ شود و بتواند
نام فلسطین را درست بگوید، در آینده هر وقت
نافرمانی کرد او را دستگیر می کنم))

محمدالدوره شهیدی است که در همان مسیری که انبیای الهی سفارش کرده اند حرکت کرده است. ای محمد تا اوج آسمان ها بالا بیا. (اشاره به شهادت محمدالدوره دارد)

مشبه
« محمد الدوره »

مشبه به
خونی است که از بعثت پیامبران
بعثت : برانگیخته شدن پیامبر (ص) از جانب خدا برای هدایت مردم

جوشیده است

سدره المنتهی : درختی در آسمان هفتم که در
سوره نجم (قرآن) هم از آن یاد شده است

بالا برو (اوج بگیر)
پس ای محمد، صعود کن!

تلمیح به داستان معراج پیامبر (ص)

محمود درویش (شاعر فلسطینی)

صعود کن تا سِدْرَةُ الْمُنْتَهَى! تا بالاترین نقطه ی بهشت بالا برو
(کنایه از به شهادت رسیدن محمدالدوره)

← بزرگترین شاعر معاصر عرب است که شعر او با انقلاب، مبارزه و پایداری پیوندی آشکار دارد.

← عشق به سرزمین فلسطین و استقلال آن از درون مایه های اصلی شعر او است.

کودکان سنگ



نثر روان: مردم دنیا را متحیر کردند با اینکه در دستانشان
جز سنگ، هیچ چیز دیگری نبود. مثل شعله ی آتش در تاریکی
ظلم ها درخشیدند و مثل خبر خوش از راه رسیدند. استقامت
کردند و فریاد زدند و شهید شدند.

متحیر
دنیا را خیره کردند

با آنکه در دستانشان جز سنگ نبود

چراغیان بزرگ

چونان مشعل ها درخشیدند

تشبیه دارد (کودکان سنگ مشبه، که حذف شده و مشعل، مشبه به است)

مژده، نوید

و چونان بشارت از راه رسیدند

تشبیه (کودکان سنگ: مشبه، که حذف شده و بشارت: مشبه به است)

پایداری کردند فریاد کشیدند و قیام کردند

ایستادگی کردند، خروشیدند و شهید شدند. آرایه ی مراعات نظیر

چهارراهی

کودکان سنگ



۲ جمله

آه، ای لشکریان خیانت‌ها و مزدوری‌ها! / مزدور: کسی که در برابر انجام کاری، مزد می‌گیرد

توقف، صبر

هر قدر هم که تاریخ درنگ کند (آرایه‌ی تشخیص)

کودکان فلسطینی که با سنگ مبارزه می‌کنند

به زودی، کودکان سنگ، ویران‌تان خواهند کرد!

نابود

ای دانش‌آموزان عزّه! شهری در فلسطین

نثر روان: افسوس، ای نظامیان خیانتکار
اجیر شده، هر چه قدر هم که تاریخ در
مورد ظلم و ستم شما صبر و سکوت کند به
زودی کودکانی که سنگ به دست دارند،
شما را نابود می‌کنند.

همراهی

به ما بیاموزید؛

کودکان سنگ



نثر روان : ای دانش آموزان غزه ! به ما یاد بدهید
که چگونه یک کودک با داشتن سنگی در دست ،
می تواند این چنین دلآوری و شجاعت ایجاد کند ؟

به ما بیاموزید ؛

که چگونه سنگ در دستان کودکان ،

دلیری ، شجاعت

حماسه می آفریند ؟ آرایه ی جان بخشی در سنگ در دستان کودکان حماسه می آفریند

حرف ندا منادا

ای فرزندان غزه!

با تمام توانتان بتازید و
حمله کنید

با تمام نیرو و توانتان به دشمنان اسرائیلی حمله کنید

همراهی

کودکان سنگ



زیتون نماد صلح و دوستی و
نشانه‌ی کشور فلسطین

در راهتان استوار بمانید در راهی که انتخاب کردید محکم بمانید

عرصه، میدان

در کستره نبردهاتان پیش بروید. در عرصه‌ی مبارزه تان جلو بروید

منادا

ای دوستان کوچک ما، سلام! / درود بر شما ای دوستان کوچک ما

حرف ندا

برای چیدن زیتون مهیا باشید! برای صلح و آزادی آماده باشید

آماده

میوه دار

در لحظه‌هایی که درختان زیتون، بارور می‌شوند وقتی که صلح و آزادی، میوه و نتیجه بدهد

همراهی



کودکان سنگ



۱) افق: کرانه‌ی آسمان، در اینجا
به معنای فضا و چشم انداز

۲) تشخیص: **چهره‌ی قدس و
رخساره فلسطین**

و وطنی زاده می‌شود در چشم‌ها
و فلسطین دوباره متولد شود

و افقی دیگر نمایان ^{اشکار}، و آینده‌ای درخشان برای شما آشکار می‌شود

قبله‌ی اول مسلمانان
چهره‌ی قدس، درخشان و چهره‌ی مردمان قدس و فلسطین به خاطر این صلح و آزادی، روشن و تابناک می‌شود

چهره
رخساره فلسطین ^{نور، روشنایی} پرفروغ و تابان می‌شود.

نزار قبّانی، ترجمه‌ی عبدالرضا رضایی نیا؛ با اندکی تغییر و کاهش

از بزرگترین شاعران و نویسندگان عرب است .
سروده های او سرشار از عشق و عاطفه به انسانیت
است .

خود ارزیابی

- ۱ در بند اول شعر پرندۀ آزادی، تشبیه‌ها را بیابید.
۱: محمد به پرندۀ ای بیمناک ۲: دوزخ آسمان : دوزخ : مشبه به آسمان : مشبه
- ۲ منظور شاعر از «کودکان سنگ» چیست؟
کودکان فلسطینی که برای دفاع از خود سلاحی به جز پرتاب سنگ ندارند.
- ۳ نوجوانان فلسطینی برای آزادی سرزمین خود، چه کارهایی می‌کنند؟
آنها راه گذشتگان خود را ادامه می‌دهند و ایمان و اعتقاد خود را تقویت می‌کنند و همراه بزرگترهای خود با اشغالگران مبارزه می‌کنند.
- ۴

به جمله‌های زیر توجه کنید:

■ پدر نیما کتاب را از **فلان مغازه** خرید.

■ زینب، **چند مجله** از دوستش گرفت.

در گروه‌های اسمی «فلان مغازه» و «چند مجله» دو وابسته پیشین «فلان» و «چند» دیده می‌شود؛ این واژگان، **«صفت مبهم»** نامیده می‌شوند؛ زیرا نوع، چگونگی، شمار و مقدار اسم را به‌طور نامعین نشان می‌دهند. **صفت مبهم**، پیش از اسم (هسته) می‌آید و وابسته پیشین **اسم محسوب می‌شود.**

۱ پیشوند «ب» را به ابتدای فعل‌های زیر بیفزایید و شکل تغییر یافته آنها را بنویسید.

■ آمد **بیامد** ■ افروخته است **ببفروخته** ■ افکنده بودند **ببفکنده** بودند
است

۲ در هر یک از جمله‌های زیر، گروه‌های اسمی را بیابید و هسته، وابسته‌ها و نوع هر یک را مشخص کنید.

■ هر سخن ارزشمند را پاس بدار. **سخن (هسته)**، هر (وابسته پیشین صفت مبهم)، ارزشمند (صفت بیانی)

■ هر روز، یک شعر زیبا بخوان. **۱: روز (هسته)**، هر (وابسته پیشین صفت مبهم)

۲: شعر (هسته)، یک (وابسته پیشین صفت شمارشی)، زیبا (صفت بیانی)

■ دانش‌آموزان، چند درخت کاشتند.

۱: دانش‌آموزان (هسته) **۲: درخت (هسته)**، چند (وابسته پیشین صفت مبهم)

۳ درک و دریافت خود را از این بخش شعر «کودکان سنگ» بنویسید.

«وطنی زاده می‌شود در چشم‌ها

اشاره به پیروزی فلسطین در برابر دشمنان دارد زمانی که فلسطین آزاد می‌شود و زندگی به دور از هر نوع ظلم می‌شود.

و اُفقِ دیگر، نمایان ...»



هنگام افزودن پیشوند «ب» به فعل‌هایی که با همزه (ء) شروع می‌شوند، املاي کلمه تغییر می‌کند و «ی» جایگزین همزه می‌شود؛

مانند: اندیشد ← بیندیشد

افتاد ← بیفتاد

انداخت ← بینداخت

شاد و تندرست
باشید
چهارراهی